



Studies on Understanding Hadith

P-ISSN: 2588-3895

E-ISSN: 2588-4417

DOI: 10.30479/mfh.2022.2826



The Study about Savab'ol Aa'mal Hadiths Based on Speech Act Theory

Somayyeh Ajalli^{1*}

Mohsen Jahed²

Abstract

There are many hadiths in Shia and Sunni Hadiths books about the reward of deeds (Savab'ol Aa'mal). The repetition and multiplicity of these hadiths in these books is one of the reasons that make it difficult to ignore this hadiths. The general method of hadith scholars in dealing with these hadiths is to use the Man Balgh rule, based on which, despite the weakness of the chain of transmission, these hadiths are accepted with a tolerant attitude. While the study and accuracy in the content of these hadiths shows the obvious contradictions in them. In the current research, it is suggested to use new linguistic approaches and pay attention to different capacities of language to solve the problem of conflicts. In this approach, the meaning in Savab'ol Aa'mal hadiths can be justified based on the perspective of speech act theory, in such a way that these hadiths are meaningful by creating an effective action in the audience, and if they cannot create the intended effective action based on the intellectual and belief system of the audience, It is considered to have a semantic disorder. The relative advantage of this strategy, in addition to the wideness of the meaningful range, is that, in this method, expressions can be measured and evaluated without necessarily going through the path of truth or falsity.

Keywords

Savab'ol Aa'mal Hadiths, linguistic, Theoris of Meaning, Truth Condition, Speech Act Theory.

Article Type: Research

1. Responsible Author, Ph.D in Philosophy and Islamic Theology, Zanjan University.

Email: s.ajalli1985@gmail.com

2. Associated Professor of Wisdom and Theology Department of Shahid Beheshti University.

Email: jahed.mohsen@znu.ac.ir

Received on: 30/12/2021 Accepted on: 13/09/2022

Copyright © 2022, Ajalli & Jahed

Publisher: Imam Khomeini International University.





شماره چاپی: ۲۵۸۸-۲۸۹۵
شماره مجله: ۲۵۸۸-۴۴۱۷

مطالعات فقه حدیث



DOI: 10.30479/mfh.2022.2826

ارزیابی احادیث ثواب الاعمال بر اساس نظریه‌ی کنش‌گفتاری

سمیه اجلی^{۱*}
محسن جاهد^۲

چکیده

احادیث فراوانی در کتب روایی شیعه و اهل سنت با مضمون احادیث ثواب الاعمال موجود است. تکرار و تکثر این روایات در این کتب از جمله دلایلی است که نادیده گرفتن احادیث ثواب الاعمال را مشکل می‌سازد. روش عموم حدیث‌شناسان در مواجهه با این روایات استفاده از قاعده‌ی من بلغ بوده که بر اساس آن به رغم ضعف سند، این احادیث با نگرشی مسامحه‌آمیز مورد پذیرش قرار می‌گیرند. در حالی که مطالعه و دقت در مضمون این احادیث، تناقضات آشکار موجود در آن‌ها را پدیدار می‌کند. در پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود برای حل مشکل تعارضات، از رویکردهای جدید زبان‌شناسی و توجه به ظرفیت‌های مختلف زبان استفاده شود. در این رویکرد معنا در احادیث ثواب الاعمال می‌تواند بر اساس دیدگاه کنش‌گفتاری توجیه شود، بدین صورت که این روایات با ایجاد کنش موثر در مخاطب معنا دار بوده و در صورتی که نتواند بر اساس نظام فکری و اعتقادی مخاطب کنش موثر مدنظر را ایجاد کنند، دارای اختلال معنایی محسوب می‌شود. مزیت نسبی این راهبرد علاوه بر وسعت‌بخشی به دامنه‌ی معناداری، آن است که در این روش عبارات بدون این که لزوماً از مسیر صدق یا کذب عبور کنند می‌توانند مورد سنجش و ارزیابی قرار بگیرند.

کلیدواژه‌ها

احادیث ثواب الاعمال، زبان‌شناسی، نظریات معنا، شرط صدق، نظریه‌ی کنش‌گفتاری، قاعده من بلغ.

نوع مقاله: پژوهشی

۱. دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه زنجان (نویسنده مسئول). s.ajalli1985@gmail.com

۲. دانشیار گروه حکمت و کلام دانشگاه شهید بهشتی. jahed.mohsen@znu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۲



ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

۱. طرح مسأله

بخش قابل توجهی از احادیث اسلامی درباره‌ی ثواب و پاداش اعمالی است که در اسلام به انجام آن‌ها توصیه یا تأکید شده است (مستحبات یا واجبات). این دسته از احادیث را اصطلاحاً احادیث ثواب الاعمال می‌نامند. این مجموعه از احادیث علاوه بر منابع اهل سنت در کتب حدیثی شیعه نیز پر تکرارند. تعداد قابل توجهی از احادیث ثواب الاعمال را می‌توان در کتاب ثواب الاعمال و عقاب الاعمال شیخ صدوق که یکی از منابع مهم حدیثی شیعه است، مشاهده نمود.

علاوه بر کتاب مذکور، در کتاب مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی نیز به عنوان مهمترین کتاب مناسک عملی شیعه، احادیث ثواب الاعمال به وفور قابل مشاهده است. به این نحو که غالباً در ابتدای بیان هر عملی یا فضیلت شب و روز و ساعتی به ذکر حدیثی در ثواب آن عمل پرداخته شده و سپس اعمال آن روز و ساعت بیان گردیده است. مثلاً در بخش فضیلت زیارت امام رضا (ع) در ماه رجب، آن را همتای حج قرار می‌دهد یا در رابطه با فضیلت اعمال ماه شعبان این حدیث را بیان می‌کند که هر کس روز شنبه، چهار رکعت نماز را با کیفیت خاصی بخواند، خداوند عز و جل او را در زمهری پیغمبران، شهدا و صالحان قرار می‌دهد و همچنین در باب روزه‌ی ماه شعبان می‌نویسد هر کس یک روز از شعبان را روزه بگیرد، بهشت بر او واجب می‌شود (قمی، ۱۳۹۳ ش، ۵۱۹ و ۵۵۹). از این دست احادیث در سایر کتب ادعیه نیز به کثرت قابل مشاهده است. برخی از منابعی که شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان از آن‌ها استفاده کرده است عبارتند از: اثبات الهداه شیخ حرعاملی، الاحتجاج طبرسی، الامالی شیخ طوسی، بحارالانوار مجلسی و الاقبال سید ابن طاووس که همگی از آثار بزرگان شیعه و از منابع قابل توجه شیعی است. علاوه بر دو کتاب یاد شده نمونه‌هایی از احادیث ثواب الاعمال را می‌توان در کتاب‌های اصول کافی (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۲: ۶۱۲) و بحارالانوار (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۸۹: ۲۶۵) و من لایحضره الفقیه صدوق (۱۴۱۳ ق، ۱: ۳۱۵) و کامل الزیارات (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ق، ۶۰۲) مشاهده نمود. اندک توجهی به این دست از احادیث، ناسازگاری‌ها و تعارضات موجود در آن‌ها را ظاهر می‌کند. ناسازگاری‌هایی که گاه در بطن معنای یک حدیث به تنهایی موجود است و گاهی از مقایسه‌ی چند حدیث نمایان می‌شود؛ همواره یکی از دغدغه‌های ذهنی مولف بوده است.

برای نمونه می‌توان به احادیثی اشاره نمود که پاداش یک عمل را بالاتر از انجام چند باره‌ی عمل مشکلت‌تر از آن نشان می‌دهد. مثل این روایت که در کتاب ثواب الاعمال

و عقاب الاعمال آورده شده؛ شیخ صدوق در رابطه با ثواب روزه گرفتن در ماه مبارک رمضان حدیث مفصلی را ذکر می کند که در آن به ثواب هر روز از روزه های ماه مبارک رمضان اشاره شده است؛ در بخشی از این روایت به روزه ی روز هشتم اشاره شده که می نویسد، در روز هشتم، خداوند مانند عمل شصت هزار عابد و شصت هزار زاهد را به شما اعطا می نماید و یا در مورد ثواب روزه ی روز بیست و هفتم می نویسد هنگامی که روز بیست و هفتم فرا رسد، گویا هزار مرد و زن مومن را یاری کرده، هزار برهنه را پوشانده، به هزار جنگجوی در راه خدا خدمت کرده و هر کتابی که خداوند بر پیامبران خود نازل نموده است قرائت کرده باشید (صدوق، ۱۳۷۹ ش، ۱۰۴، ۱۰۷).

همان طور که در این احادیث مشاهده می شود، ثواب روزه بیشتر از ثواب انفاق به هزار برهنه و یاری هزار مجاهد اعلام شده در حالی که سختی و آثار آن ها بیشتر است. به علاوه بر طبق این حدیث، با وجود امکان روزه چرا باید مومنان به یاری مجاهدان و کمک به نیازمندان پردازند؟ یا زمانی که گفته شده روزه ی روز هشتم مساوی عمل شصت هزار عابد و زاهد است، آیا عمل هر زاهد را نمی توان مشتمل بر روزه ی ماه رمضان دانست؟ این نوع از تعارض را تعارض درونی حدیث می نامیم. علاوه بر آن، نوع دیگری از ناسازگاری نیز وجود دارد که از کنار هم قرار دادن چندین مورد از احادیث ثواب الاعمال، پدیدار می شود. از مشهورترین نمونه های آن می توان به احادیثی با مضمون افضل الاعمال (بهترین عمل) اشاره نمود. احادیث فراوانی که با نام احادیث افضل الأعمال در کتب حدیثی شیعه و اهل سنت وجود دارد و در آن ها به معرفی بهترین عمل که دارای بیشترین ثواب است، پرداخته شده است.

بهترین عمل شاد کردن قلب مومن است (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ۱۴۶). سخت کوشی در جهاد در راه خدا بهترین اعمال است (صدوق، ۱۳۶۲ ش، ۱: ۲۴۰). برترین اعمال عملی است که بیشترین سختی را به همراه دارد (سیدرضی، ۱۴۱۴ ق، ۵۱۱). بهترین اعمال ایمان، حضور در جنگ و حج است (مفید، ۱۴۱۳ ق، ۳۶۲). بهترین اعمال نزد خداوند سیراب نمودن جگر تشنه است (حرعاملی، ۱۴۱۴ ق، ۲۴: ۳۲۷). بهترین عمل یاری کردن مردم است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق، ۷۰). بهترین اعمال گفتن ذکر لا اله الا الله است (شعیری، بی تا، ۵۷). بهترین عمل انتظار فرج است (اربلی، ۱۳۸۱ ش، ۲: ۲۰۷). بهترین عمل خواندن نماز در اول وقتش است (ابن ابی الجمهور، ۱۴۰۵ ق، ۱: ۱۱۰). فکر کردن بهترین اعمال است (بهایی، ۱۳۸۷ ش، ۲: ۳۹).

همان طور که دیده می شود در این احادیث می توان تا ۱۰ مورد از مواردی که در

احادیث اسلامی به عنوان افضل اعمال از آن‌ها یاد شده مشاهده نمود. در صورتی که اگر معنای افضل الأعمال را بهترین عبادت و بالاترین آن به لحاظ پاداش و ثوابش بدانیم، افضل اعمال، نمی‌تواند بیش از یک عمل باشد و این ناسازگاری آشکاری در این احادیث است. البته برخی در توجیه این تعارضات بیان کرده‌اند که حصر نسبی یا اضافی است اما با توجه به نص خود روایات حداقل در ده موردی که این‌جا ذکر شده است، قید یا نسبت یا اضافه ای در متن موجود نیست و روشن نیست که بر چه اساسی قید نسبت یا اضافه برای حصر افزوده می‌شود. حال پس از روشن شدن موضوع، پرسش اصلی آن است که با توجه به تکرر این نوع از احادیث در کتب حدیث و ادعیه که برگرفته از کتب حدیثی است، آیا تبیینی برای کاهش این دست از تعارضات وجود دارد؟

مواجهه‌ی اهل حدیث با این دست از احادیث غالباً از منظر تساهل و تسامح بوده، شاید وجود تعارضاتی که یاد آور شدیم، در اتخاذ چنین روشی بی‌تاثیر نبوده باشد. در منابع فریقین، احادیثی مشهور به احادیث «من بلغ» ذکر شده است که مضمون این احادیث آن است که اگر حدیثی به کسی رسید و محتوای آن مترتب شدن ثوابی بر یک عمل بود و آن شخص به طلب ثواب، عمل را انجام داد، خداوند متعال ثواب آن را به وی عطا می‌کند؛ هر چند آن حدیث مطابق با واقع نباشد. برخی از عالمان بزرگ شیعه با استناد به این احادیث «من بلغ» قاعده‌ی تسامح در ادله‌ی سنن را اثبات کرده‌اند (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ۸۰:۱؛ ۵۷۷:۸؛ نراقی، ۱۴۱۵ق، ۵۱:۲؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ۱:۲۶). البته معتقدان به این قاعده، از جهت سعه و ضیق شمول قاعده با هم اختلاف دارند. مثلاً برخی به لحاظ وجود کلمه ثواب در احادیث من بلغ، آن را فقط در مستحبات جاری می‌دانند و برخی آن را به مکروهات نیز سرایت می‌دهند.

قاعده‌ی تسامح در ادله‌ی سنن، از دیرباز به عنوان یک معنای خاص از احادیث من بلغ در بین دانشمندان شایع بوده است؛ تعابیری که از کتب سیدبن طاووس به دست می‌آید، نشان می‌دهد حداقل از قرن هفتم هجری به بعد این برداشت بین علما متداول بوده است (کریمیان، ۱۳۹۷ش، ۹).

استفاده از قاعده‌ی تسامح در مواجهه با احادیث ثواب الاعمال می‌تواند دو نتیجه متفاوت داشته باشد؛ ۱- پذیرفتن تمام آن‌ها و برخورد با آن‌ها همچون سایر احادیث در معنا و استنباط آن، مثل پژوهشی که در آن با استناد به حدیثی که ثواب نماز در مسجد الحرام را چندین برابر سایر مساجد می‌داند، بر افضلیت این مسجد بر سایر مساجد استدلال شده است (روی، ۲۰۱۶م، ۳۵۱). ۲- نوعی بی‌توجهی و بی‌اعتمادی

به این احادیث و جعلی دانستن آن‌ها به دلیل آن‌که این دست از احادیث فاقد ادله‌ی کافی‌اند (باقری، ۱۳۸۲ش، ۳۸). اما شاید بتوان روش میانه‌ای را اتخاذ نمود که بدون نادیده گرفتن این دست از احادیث - که تعداد آن‌ها نیز در منابع حدیثی کم نیست - برداشت معنا از آن را محدود سازد. برای تبیین روش سوم لازم است مختصری به بحث معنا در احادیث ورود کنیم.

در رابطه با احادیث ثواب الاعمال رویکرد اصلی حدیث‌شناسان، ناظر بر بررسی سند و ادله‌ی این دست از احادیث است. همان‌طور که بیان شد ایشان بر اساس قاعده‌ی من بلغ، از بررسی دقیق سند و ادله‌ی روایات ثواب الاعمال چشم پوشی می‌کنند و همه‌ی این روایات را بر اساس قاعده‌ی تسامح (من بلغ) می‌پذیرند. در واقع حدیث‌شناسان چون از اساس مبنای اعتبار این دسته از احادیث را قاعده‌ی تسامحی من بلغ می‌دانند، لذا وجود تناقضات آشکار در احادیث ثواب الاعمال را بلا اشکال می‌دانند. در حالی که توجه به معنا، و شرایط صدور در این دست از احادیث، می‌تواند، روشی جدید از مواجهه با آن‌ها را ارائه نماید.

البته در رابطه با فهم معنی حدیث و روشمند ساختن آن به خصوص در مورد احادیث فقهی، تلاش‌های بسیاری صورت گرفته که شاید بتوان مهمترین آن را بر اساس تقدم تاریخی به شیخ بهایی در کتاب اربعین حدیث نسبت داد (بهایی، ۱۴۱۳ق). اصولیون نیز به صورت ویژه در روشمند ساختن نحوه‌ی فهم احادیث فقهی تلاش‌های کم‌نظیری انجام داده‌اند. در دوران معاصر، پژوهشگرانی همچون علامه طباطبایی در زمینه‌ی تفسیر آیات قرآن، راهکارهایی در باب فهم احادیث تفسیری ارائه داده است که می‌توان آن‌ها را در کتاب تفسیر المیزان پی‌جویی نمود. پژوهشی نیز بر همین اساس صورت گرفته که به بررسی روش علامه طباطبایی در فهم احادیث تفسیری در تفسیر المیزان می‌پردازد (نقیسی، ۱۳۹۰ش) اما امروز نظریات جدید زبان‌شناسی با تفسیرهای جدیدی که از معنا ارائه می‌دهند می‌توانند راهکارهای نویی ارائه کنند که شاید استفاده از آن‌ها در فهم معنای حدیث بتواند مسیرهای جدیدی بگشاید و ضمن برطرف ساختن تعارضات لایه‌های دیگری از معنا را بر ملا سازد.

کاربست نظریات جدید زبان‌شناسی برای فهم بهتر معنای احادیث، رویکرد جدیدی است که برخی از پژوهشگران به آن اقبال داشته‌اند. از آن جمله می‌توان به پژوهشی با عنوان دقت در زمینه‌های صدور و تاثیر آن در فهم حدیث اشاره نمود (صفاری، ۱۳۸۴ش) که معتقد است شناخت زمینه‌ها و دلایل صدور احادیث می‌تواند ما را در

فهم بهتر احادیث یاری رساند. برخی پژوهشگران نیز ذهنیت راویان را در فهم موثر دانسته و به بررسی گونه‌های دخالت ذهن راویان در فهم حدیث می‌پردازند و در واقع از منظر هرمنوتیک به بررسی احادیث می‌پردازند (ساجدی و مرتضوی، ۱۳۹۲ش). همچنین برخی بر شناخت خصوصیات مخاطبان معصومان (ع) و تاثیر آن در فهم حدیث تاکید کرده‌اند (نیل‌ساز و دیگران، ۱۳۹۰ش) و معتقدند ویژگی‌های اعتقادی مخاطب از جمله دین، مذهب، میزان ایمان و ویژگی‌های علمی و ویژگی‌های طبیعی و روحیه‌ی مخاطب نوع خاصی از خطاب معصوم را به دنبال دارد. پژوهش‌های مشابه دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که از مرور آن‌ها اجتناب می‌کنیم.

استفاده از نظریات جدید زبان‌شناسی در تبیین روایات ثواب الاعمال، هم از جهت تکرر آن‌ها در منابع حدیثی و در کتاب پر مخاطب مفاتیح الجنان، و همچنین به لحاظ وجود تعارضات آشکاری که در این دست از روایات وجود دارد، ضروری‌تر می‌نماید. ضرورتی که شاید تاکنون به جهت قرار دادن این روایات، زیر مجموعه‌ی قاعده‌ی تسامح (من بلغ)، اصطلاحاً با حذف صورت مسئله، مواجه شده است. در واقع بی‌توجهی به این حجم از احادیث، در دوره‌ای که هر متنی بخصوص متون تاریخی، ارزشمند و قابل بررسی تلقی می‌شوند ناصواب است. متونی که جمع‌آوری آن‌ها ثمره‌ی تلاش بزرگان مکتب حدیثی شیعه از جمله علامه مجلسی و شیخ صدوق است. در حالی که با رویکرد متن‌پژوهی در آن‌ها می‌توان درباره‌ی محمل بروز چنین احادیثی و علل جامعه‌شناختی و روان‌شناختی صدور آن‌ها نیز پژوهش‌هایی ترتیب داد.

بنابراین در نظر داریم با یک چرخش رویه در مواجهه با احادیث ثواب الاعمال، به بررسی معنا در این روایات پرداخته و با استفاده از نظریات جدید زبان‌شناسی، الگوهای جدیدی از معنا را ارائه دهیم؛ که بتواند علاوه بر حل تعارضات ظاهری، محمل‌های جدیدی از معنا را نمایان سازد.

۲. نگاهی تازه به مسئله‌ی زبان

چنان‌که بیان گردید در نظر داریم از نظریات جدید زبان‌شناسی در تبیین احادیث ثواب الاعمال استفاده کنیم، اما پیش از طرح نظریات جدید زبان‌شناسی، لازم است اندکی به تفاوت‌های دو نگاه سنتی و جدید به زبان بپردازیم.

اصلی‌ترین حوزه‌ی مطالعاتی در سنت اسلامی که با مسئله معنا و به تبع آن زبان مرتبط است، منطق است. این علم که در اواخر قرن دوم هجری و با شروع نهضت

ترجمه در بیت الحکمه، وارد سنت فکری اسلامی شد، در بخش ایساغوجی به مباحث الفاظ و معنا می پردازد (پاکتچی، ۱۳۸۷ش، ۱۲۴). وضوح و صراحت در معنا در این نظام زبان‌شناسی یکی از مزیت‌های زبان شمرده می‌شود. به عبارت دیگر بر مبنای اصول موجود در منطق ارسطویی، واضح‌ترین معنا، اصیل‌ترین آن خوانده می‌شود و تنها در صورتی که نتوان به معنای اصیل دست یافت با رجوع به معنای مجازی می‌توان خلا معنای حقیقی صریح را پر کرد.

این در حالیست که در نظریات جدید زبان‌شناسی معنای صریح و واضح برای یک گزاره تنها یکی از روش‌های ممکن برای اخذ معنا از آن محسوب می‌شود که در موارد اندکی کاربرد دارد و کاربرد آن امروزه حتی در زمینه‌ی علم (تجربی) نیز مورد مناقشه قرار گرفته است (Hess, 1980, 173; Barbour, 1990, 1: 2) و برعکس توجه به ویژگی پیچیدگی زبان، در نگاه معاصر به زبان بسیار بیشتر شده است. تصویری که مدل‌های زبان‌شناسی متاخر از زبان ارائه می‌کنند، نگاه کامل‌تر و واقعی‌تری به زبان است چون در این رویکرد زبان می‌تواند محمل ارتباطی بین گوینده و مخاطب‌هایی با سطوح شخصیتی و معرفتی متفاوت باشد و با ساحت‌های مختلف انسانی مواجه و متناسب گردد. در نظریات جدید زبان‌شناسی، توجه به احساسات انسانی، توجه به حالات مختلف گوینده و مخاطب، پیش‌فرض‌های ذهنی این دو، توجه به لایه‌های مختلف معنایی و استفاده از استعاره‌ها، کنایه‌ها و تمثیلات در ایجاد معانی جدید مورد توجه قرار گرفته است؛ در حالی که در نظریه‌ی سنتی زبان، زبان به عنوان یک امر ساده و در عین حال شفاف و صریح در نظر گرفته می‌شد، در حالی که چنین برداشتی از زبان هرگز توانایی پاسخ‌گویی به آنچه از زبان مطالبه می‌شود را ندارد.

آنچه در باب ویژگی زبان ذکر گردید به ویژه در رابطه با احادیث، از اهمیت بیشتری برخوردار است. با توجه به آن که احادیث محصول مکالمه‌ی بین امام و ماموم هستند، طبیعتاً تا حد زیادی متأثر از شرایط زمانی، فرهنگی، تاریخی و سیاسی مخاطبانشان بوده‌اند. علاوه بر آن، همانطور که همواره گفته شده، امور دیگری همچون تقیه، توریه و کتمان نیز افزون بر مسایل قبل شده. از این نظر تمایزی جدی‌ای بین قرآن و حدیث وجود دارد. به لحاظ این‌که اولاً آیات قرآن در فضای مکالمه‌ی دو سویه بین گوینده و شنونده، اتفاق نیفتاده و ثانیاً گوینده‌ی آیات آن به اصطلاح دیدگاه‌های متاخر هرمنوتیکی، امری فراتاریخی است نه تاریخنمند. بنابر این به نظر می‌رسد تنظیم قواعد یکسان برای اخذ معنا از احادیث مختلف، بدون توجه به فضایی که حدیث در آن شکل گرفته،

خطاهای احتمالی را در برخواهد داشت و این موضوع در مقایسه با قرآن درباره‌ی احادیث از شدت بیشتری برخوردار است.

از این رو به نظر می‌رسد شاید، دسته‌بندی احادیث به لحاظ محتوا و نه صرفاً سندی یا متنی در تنظیم اصولی برای کشف معنا موثرتر واقع شود. یعنی تقسیم‌بندی بر این اساس که حدیث تفسیری است یا عرفانی یا فقهی یا کلامی و اخلاقی. این شیوه پیش از هر چیز نشان‌دهنده‌ی فضایی است که حدیث باید در آن فضا و بر اساس منطق و مبانی آن، معنا گردد. تفاوت تقسیم‌بندی مدنظر نگارنده با تقسیم‌بندی‌های موجود از جمله تقسیم‌بندی متنی آن است که در تقسیم‌بندی متنی، حدیث حداکثر بر اساس وحدت یا تکثر معنایی موجود در آن و یا صراحت و عدم صراحت معنایی اش تقسیم می‌شود اما در این روش احادیث بر اساس محتوای آن‌ها تقسیم می‌شوند تا روشن گردد که در کدام مدل زبانی باید مورد مطالعه قرار گیرند. چرا که تفاوت‌های شگرفی میان معنای یک گزاره در زمینه‌ی عرفانی و همان گزاره در زمینه‌ی فقهی یا کلامی وجود دارد.

۳. نظام‌های متفاوت معناداری

بر اساس دیدگاه‌های جدید زبان‌شناسی این اندیشه که زبان، همیشه دارای یک کاربرد است را باید به کل کنار گذاشت (هکر، ۱۳۸۲ش، ۴۹) و به جای آن تنوع مدل‌های زبانی به همراه نظام معناداری متفاوتشان را جایگزین کرد. مثلاً در نظریه‌ی بازی‌های زبانی که ویتگنشتاین آن را در کتاب پژوهش‌های فلسفی خود مطرح نمود، گفته شده به تعداد کارکردهای مختلف زبان، بازی زبانی وجود دارد، در نتیجه هنگامی که در یک نحوه‌ی خاص از معیشت و به عبارتی در یک بازی زبانی خاص، مثلاً فلسفه بحث درگرفت، نمی‌توان با زبان علم یا هنر، در یک بحث فلسفی که در حیطه فلسفه زبان مطرح شده، بحث و تبادل نظر نمود چرا که هر زبانی قواعد خاص خود را دارد (ویتگنشتاین، ۱۳۹۸ش، ۸۳). بنابراین برای دست‌یابی به معنای جمله‌ها به جای توجه به معنای کلمات باید به کاربرد این واژه‌ها در زندگی روزانه توجه کرد (همان، ۱۵۴).

معنای یک عبارت زبانی را کارکرد مشخص آن، در رفتار اجتماعی انسان، مشخص می‌کند (لایکن ۱۳۹۵ش، ۱۵۸). بنابراین، این اندیشه را که نظام معناداری همواره بر مبنای یک اصول ثابت از جمله وضوح و صراحت یا معنای ظاهری حرکت کند را باید کنار گذاشت. چرا که معنای یک واژه در یک کاربرد خاص یعنی در یک بازی زبانی

خاص با معنای همان واژه در کاربردی دیگر از آن یعنی در یک بازی زبانی دیگر متفاوت است (ویتگنشتاین، ۱۳۹۸ش، ۱۵۷).

براین اساس، روشن است که استفاده از قواعد معناداری یکسان برای یافتن معنا یا اعتبارسنجی تمام انواع حدیث، خطاست؛ چرا که احادیث، همان گفتار معصومین (ع) در میان مردم بوده‌اند و طبیعتاً برای تناسب با موقعیت، متأثر از مخاطب و شرایط خاص آن گفتگو بوده‌اند. بنابراین لازم است احادیث با توجه به محتوا و شرایط صدورشان تفکیک شده و در نظام یا مدل زبانی مختص به خود و با ملاک‌های متناسبشان، مورد تحلیل و تفسیر شوند. در واقع می‌توان احادیث را به لحاظ محتوایی به احادیث فقهی، کلامی، تفسیری، عرفانی، اخلاقی و... تقسیم نمود و معنا یا واقع‌نمایی هر یک را بر اساس بازی زبانی مختص به خودش تحلیل نمود. در این رویکرد روش تک معنای سنتی نیز می‌تواند ملاک معناداری برای برخی از اقسام حدیث قرار گیرد.

در این شیوه ساختاری که علم اصول فقه برای کشف معنا از احادیث فقهی ارائه می‌کند، همچنان می‌تواند به عنوان شیوه‌ی معناداری در بازی زبانی احادیث فقهی معتبر باشد. اما تعمیم آن شیوه برای اقسام دیگر حدیث نامتناسب خواهد بود و باید روش‌های متناسب دیگری برای کشف معنا در دیگر احادیث به کار گرفته شود؛ روش‌هایی متناسب با مدل زبانی احادیث عرفانی یا کلامی و یا احادیث ثواب الاعمال. گرچه که ممکن است وجوه مشترکی در این روش‌ها نیز وجود داشته باشد. برای نمونه شاید بتوان از روش ساختارگرایی برای کشف معنای احادیث در روایات تفسیری استفاده نمود. بر اساس رویکرد ساختارگرایی معنا از درون ساختار کلی بیرون می‌آید بدین ترتیب که برای فهم معنای یک کلمه یا یک عبارت باید تمام موارد به کار رفته از آن عبارت یا واژه در کل متن را مورد بررسی و مقایسه قرارداد و معنا را بر اساس ساختار کلی موجود کشف نمود؛ چرا که بر اساس این رویکرد واژه اقتضای معنا ندارد بلکه ساختار کلی است که معنا را افاضه می‌کند.

این نظریه‌ی زبان‌شناسی که به باور نگارنده مدل مناسبی برای فهم معنای عبارات و واژگان قرآنی است؛ می‌تواند برای فهم معنای احادیث قرآنی نیز مورد استفاده قرار گیرد. یعنی روایات تفسیری بر اساس ساختار موجود در کل قرآن تحلیل شوند. بدین ترتیب ملاک معناداری یا واقع‌نمایی در روایات تفسیری، برآمده از ساختار کلی موجود در آیات قرآن خواهد بود و بر اساس آن سنجیده و معنا خواهد شد. چنانچه احادیثی نیز

در تایید این موضوع می‌توان یافت^۱.

اما در رابطه با احادیثی که محتوای آن‌ها ثواب الاعمال است، مدل زبانی دیگری در جریان است. به نظر نگارنده استفاده از نظریه‌ی کاربرد می‌تواند دو دشواری اصلی در این دست از احادیث را برطرف سازد اول به فهم معنای موجود در این روایات کمک کند و دوم در مسئله‌ی واقع‌نمایی یا عدم واقع‌نمایی (صادقه یا کاذبه بودن) روایات ثواب الاعمال راه حل سومی ارائه دهد. در واقع وجود تعارضات در احادیث ثواب الاعمال سبب شده که برخی آن‌ها را واقع‌نما یا صادق ندانند، در ادامه به تفصیل نشان خواهیم داد که چگونه استفاده از نظریه‌ی کاربرد می‌تواند هم در بخش معنا و هم در بخش واقع‌نمایی راه حل‌هایی ارائه دهد. البته روشن است که استفاده از نظریه‌ی کاربرد درباره‌ی احادیث ثواب الاعمال صرفاً تبیین بهتری از مدل‌های زبان‌شناسی سنتی است و نه کاملترین تبیین به این معنا که ممکن است نقاط ضعفی نیز داشته باشد.

۴. معنا در روایات ثواب الاعمال

برای روشن شدن معنا در روایات ثواب الاعمال لازم است ابتدا مختصری به تبیین کیفیت معنا در نظریه کاربرد بپردازیم. بر اساس دیدگاه‌های سنتی معنا، از جمله نظریه‌ی ارجاع، اولاً معنای عبارت متشکل از معنای کلمات است و ثانیاً معنای هر واژه همان مصداق خارجی آن واژه است. بدین ترتیب اگر گزاره‌ای مطابق با واقع باشد صادق بوده و در صورت عدم تطابق با واقع کاذب است. در نتیجه قابلیت تطابق با واقع، ملاک و معیار معناداری یک عبارت است. اما نظریه‌ی کاربرد مدعی است که معنا در کارکرد قرار دارد نه در رابطه‌ی ارجاع. به این نحو که معنای یک گزاره، ارجاع ذهن به حقیقتی موجود در عالم واقع نیست، بلکه معنای گزاره ایجاد یک رفتار متناسب از سوی مخاطب است و نکته‌ی مهم تر آن که رفتار و کنش متناسب در سبک زندگی‌های مختلف، متفاوت است و به این ترتیب از تعدد معنا در شرایط تخاطب مختلف سخن می‌گوید.

در واقع کلمات و واژه‌ها بر اساس این دیدگاه به معنایی در عالم واقع و حقیقت اشاره نمی‌کنند بلکه آغازگر قراردادی الگویی یک کنش سودمندند. البته روشن است که تعمیم تصویر ساده از معنا به عنوان کارکرد اجتماعی تماماً قراردادی به جملات بلند و مرکب در برخی موارد دشوار است چرا که برخی از این جملات نقش قراردادی اجتماعی، که به سادگی قابل شناسایی باشد را ندارند (لایکن، ۱۳۹۵، ش، ۱۴۷).

۱. «إذا اتاكم عنی حدیث فاعرضوه علی كتاب الله و حجة عقولكم فان وافقها فاقبلوه و الا فاضربوه به عرض الجدار».

پس از معرفی نظریه‌ی کاربردی معنا، باید دید کاربست این نظریه در روایات ثواب الاعمال به چه نحو می‌تواند مشکلات موجود در باب معنای این دست از احادیث را برطرف سازد. اگر معنا در این دست از احادیث، بر اساس نظریه‌ی زبان‌شناسی سنتی ملاحظه شود، در آن صورت معنای هر عبارت برخواسته از معنای هر واژه خواهد بود و واژگان نیز معنای خود را بر اساس نظام ارجاع دریافت می‌کنند. یعنی مثلاً وقتی گفته می‌شود ثواب فلان عمل معادل هزار حج و هزار عمره است، معنای این گزاره آن است که اگر فردی آن عمل را انجام دهد دقیقاً به مثابه کسی است که متحمل انجام هزار حج و هزار عمره شده است چون معنای عبارت برساخته‌ی معنای واژگان است و واژگان نیز بر اساس سیستم ارجاع یک معنای ثابت، روشن و صریح و مطابق با مصداق خارجی دارند. بنابر این مقصود از هزار همان عدد هزار ریاضیاتی و مقصود از حج یا عمره همان مناسک مصطلح با کیفیت معلوم است؛ در نتیجه از درون این سیستم چیزی جز همین معنای ثابت و روشن قابل استنتاج نیست.

روشن است که التزام به نظریه‌ی ارجاع به دو مسیر منتهی می‌شود؛ یا تناقضات موجود در روایات ثواب الاعمال را بپذیریم و با از اساس آن‌ها را مطابق با واقع ندانیم. اما بر اساس نظریه‌ی کاربرد هر دو مسیر تغییر می‌کنند. در نظریه‌ی کاربرد، نه تنها معنای عبارت تابعی از معنای واژه‌ها نیست؛ بلکه برای فهم معنای عبارت باید کل عبارت مدنظر قرار گیرد نه تک‌تک واژه‌ها؛ به علاوه معنا فراتر از آن چیزی است که در نظریه‌ی ارجاع گفته می‌شود، به این ترتیب که معنا، عبارت است از کاربرد متناسب با شرایط صدور روایات. در این صورت احادیث ثواب الاعمال بر اساس فرمولی واحد که متناسب با مدل زبانی خودشان است دارای معنا می‌شوند، بدون آن‌که متناقض نما یا کاذب باشند. برای توضیح دقیق‌تر می‌توان از نظریه‌ی کنش‌گفتاری جان آستین که زیر مجموعه‌ی نظریات کاربرد است استفاده کرد. وی معتقد است صرف توجه به معنای لفظ، بدون توجه به کاربرد متکلم، ره به خطا خواهد برد.

بنابراین وی به جستجوی معنا در ضمن کاربرد پرداخته و اهتمام ویژه‌ای به کار متکلم مبذول داشت. این ویژگی توان گفت کنشی نام دارد. بر این اساس، یک جمله‌ی خبری واحد، در متن‌های گوناگون توان‌های مختلف گفت‌کنشی پیدا می‌کند. جملات می‌توانند بسته به نیاز و مقاصد گوینده و شنونده و بسته به نوع مناسبات قدرت یا اختیارات سازمانی میان آن‌ها، توان دستور، فرمان، صرفاً یک خواهش و یا تنها یک پیشنهاد را داشته باشند (لایکن، ۱۳۹۵، ش، ۲۶۶ - ۲۷۶). آستین سه نوع کار متکلم را از

یکدیگر تفکیک کرد؛ کنش گفتاری، کنش ضمن گفتاری و کنش از طریق گفتاری (Austin, 1975, 121&122).

براساس این تقسیم‌بندی کنش گفتاری، به زبان آوردن الفاظ برای انجام کاری است^۱ و مقصود از کنش ضمن گفتاری^۲ همان اعمالی است که در ضمن بیان یک جمله و با ادای آن جمله انجام می‌شود؛ مثل وصف کردن، هشدار دادن، وعده دادن یا ترغیب کردن. کنش از طریق گفتاری^۳ نیز به معنای آثاری است که کنش ضمن گفتاری به دنبال خود در مخاطب برجای می‌گذارد، این آثار ممکن است عمدی، قصد شده یا قصد نشده باشند. ما ممکن است به کسی با یک جمله (بر اساس کنش ضمن گفتاری آن جمله) هشدار دهیم، او را برانگیزیم، متقاعد کنیم یا اشتیاقی در او ایجاد کنیم.

در رابطه با احادیث ثواب الاعمال نیز می‌توان از همین ایده در تحلیل معنا سود برد. به این صورت که معنا را در این دسته از روایات، کاربرد و کنش ضمن گفتاری و کنش از طریق گفتاری این احادیث بدانیم. به این ترتیب، معنای حدیث، برخلاف آنچه در نظریات ارجاع گفته می‌شود، مصداق خارجی آن در عالم واقع نیست، بلکه معنای آن، رفتارهای واکنشی مخاطبش است. در نتیجه معنای یک عبارت، وضعیت خاص خارجی است که برای گوینده و شنونده حاصل می‌شود. وضعیت خاص مدنظر، در احادیث ثواب الاعمال، برانگیختن مخاطب به انجام مناسکی ویژه است. انگیزندگی که تا حد زیادی با سطح فکری با ساختار معرفتی مخاطب ارتباط دارد. در واقع کنش گفتاری موجود در این احادیث، ترغیب کردن مومنان به انجام مناسک دینی از قبیل روزه و نمازهای مستحبی است که با بیان نوع ویژه‌ای از عبارات که متناسب با نظام باورمندی آن‌هاست شکل می‌گیرد.

در تمامی ادیان بخش قابل توجهی از دین‌داری وابسته به انجام مناسک است، در سنت اسلامی نیز غیر از برخی از فرق شاذ، انجام واجبات و مستحبات بخشی از ارکان دینداری محسوب می‌شود، بنا براین کاملاً معقول به نظر می‌رسد که مبلغان دین یعنی پیامبر و امامان معصوم، به تبعیت از قرآن، در پی ترغیب مومنان به انجام مناسک مذهبی باشند.

-
1. How to do Things with Words.
 2. Locutionary Act.
 3. Illocutionary Act.

برای ایجاد کنش گفتارِ ترغیب، باید ویژگی مخاطب مورد توجه قرار گیرد. همان‌طور که ترغیب افراد در سنین مختلف به شیوه‌های متفاوت باید باشد، شیوه‌ی ترغیب و انگیزه‌بخشی به افراد نیز باید متناسب با نظام معرفتی و شبکه‌ی باور آن‌ها باشد.

بنابر این به نظر می‌رسد مخاطب احادیث ثواب الاعمال مومنان متشرعی هستند که باوری عمیق به معاد و نظام ثواب و عقاب دارند و این باور از هر باور دیگری نزد آن‌ها پررنگ‌تر است. برداشت آن‌ها از نظام جزای اخروی، ساده و شبه‌مادی است. وجود اعداد^۱ در عبارات احادیث ثواب الاعمال یا مقایسه‌هایی که صورت گرفته، نشان دهنده‌ی این امر است. طبیعتاً در مواجهه با چنین نظام معرفتی‌ای، ترغیب و انگیزه‌بخشی باید بر اساس آن شبکه‌ی باور و با استفاده از عبارات متناسب با آن صورت گیرد تا بتواند کارکرد خود را به درستی انجام داده و واکنش خاص مدنظر گوینده را در مخاطب ایجاد کند.

بنابراین، همان‌طور که روش انگیزه‌بخشی در این نظام فکری است با دیگر شرایط تخاطب متفاوت است، ملاک معناداری، کیفیت معنا و شرط صدق نیز در آن با سایر مدل‌های زبانی متفاوت خواهد بود. در این مدل زبان‌شناسی که معنا در آن بر اساس نظریه‌ی کاربرد قابل تبیین است، معنای عبارات، ایجاد واکنش متناسب در شنونده (عمل به مناسک) خواهد بود؛ یعنی برای مثال می‌توان گفت معنای این حدیث که هر کس یک روز از شعبان را روزه بگیرد بهشت بر او واجب می‌شود، تنها ترغیب و واداشتن مخاطب به عمل روزه گرفتن در ماه شعبان است، نه آن‌که وجوب بهشت بر روزه‌گیرنده از نوع وجوب فقهی باشد. یا معنای حدیثی که نماز اول وقت را بهترین اعمال می‌داند، ایجاد یک اشتیاق برای به جلا آوردن نماز در اول وقت است. اشتیاق در واقع همان کنش گفتار مدنظر گوینده است که به مثابه معنای عبارت است.

در حالی که همان‌طور که پیشتر نیز اشاره شد، اگر این حدیث و احادیث مشابه آن را بر اساس مدل زبان‌شناسی سنتی، نظام تک معنا و نظریه‌ی ارجاع تحلیل معنایی کنیم، در تعارض با عقل، قرآن و احادیث دیگر خواهد بود چرا که عقل نمی‌پذیرد صرفاً با انجام یک عمل مستحبی بهشت بر کسی واجب گردد. بنابراین معنا در احادیث ثواب الاعمال، می‌تواند با استفاده از دو نظریه‌ی کاربرد و کنش گفتاری به صورت ترکیبی و

۱. کسی که هر روز بگوید: «اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له اله واحدا احدا صمدا لم یتخذ صاحباً و لا ولدا» خداوند برای او چهل و پنج هزار هزار حسنه نوشته و چهل و پنج هزار هزار گناه او را پاک کرده، چهل و پنج هزار هزار درجه او را بالا می‌برد، خانه‌ای در بهشت برای او می‌سازد و مانند کسی است که در آن روز دوازده بار قرآن خوانده است (صدوق، ۱۳۷۹ ش، ۲۱).

مکمل، تبیین گردد. اما هم‌چنان این پرسش باقی است که آیا زمانی که گفته می‌شود معنای یک گزاره، کنشِ گفتاریِ موجود در آن است، این به معنای کاذبه بودن آن گزاره نیست؟

۵. مسئله‌ی صدق و کذب در روایات ثواب الاعمال

همان‌طور که پیشتر بیان شد، ویتگنشتاین و پس از وی جان ال استین این اندیشه را که کاربرد اصلی زبان، گزاره‌های توصیفی است، مورد انتقاد قرار داده و بیان کردند در بیشتر موارد زبان عرفی، کلمات به ندرت محدود به بیان صرف واقعیت می‌شوند (Crombie, 1971, 40). در نتیجه، الگوی خطاری در آن‌ها نیز متفاوت از جملات توصیفی خواهد بود. از این رو قابلیت صدق و کذب و ارزیابی آن، تنها در مورد گزاره‌های توصیفی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد و سنجش صدق و کذب بر اساس مطابقت با واقع، فقط یکی از راه‌های ارزیابی خواهد بود. البته این هرگز بدان معنا نیست که معیار صدق و کذب بطور کامل کنار گذاشته شود، بلکه مقصود آن است که از انحصار در آن پرهیز شود. استین انحصار روش ارزیابی جملات در فرایند صدق و کذب را ناکافی می‌داند و معتقد است علاوه بر روش صدق و کذب، روش‌های دیگری نیز برای بررسی خطا یا صحت جملات وجود دارند (Austin, 1975, 1)؛ در واقع شرایط بازنا متعددند.

واقع‌نمایی احادیث ثواب الاعمال را باید بر اساس کنشِ گفتاری که از آن سرچشمه گرفته است، ارزیابی نمود. چون این عبارات در درون روایت‌های عظیم‌تری جا گرفته‌اند، معیار خطاروی یا عدم آن نیز باید در درون آن روایت تعریف گردد. توضیح آن‌که برای بررسی صدق در جملاتی با توان‌های گفت کنشی متفاوت مثل تهدید، پیشنهاد یا ایجاد انگیزه، باید از معیار سنجش متناسب استفاده کرد. به نظر می‌رسد معیار خطاروی در روایات ثواب الاعمال، صدق و کذب (مطابقت یا عدم مطابقت با واقع) نیست، بلکه خطاروی یا عدم خطاروی در آن‌ها بر اساس میزان موفقیتشان در ایجاد کنش گفتار مطلوب سنجیده می‌شود. در این دست از احادیث، اگر گزاره‌ها نتوانند کنش گفتار مدنظر را برای مخاطب خود ایجاد کنند، به خطا رفته‌اند. یعنی مثلاً اگر به دلیل تغییر نظام فکری و معرفتی مخاطب، نتوانند کنش خاص مورد نظر را ایجاد کنند، به لحاظ معنایی دارای خطا بوده و اعتبار معنایی خود را از دست می‌دهند. به عبارت دیگر در این نظام معنایی خاص که برای روایات ثواب‌الاعمال تعریف شد، همان‌طور که معنا بر اساس نظریه‌ی کاربرد توجیه می‌شود، معیار خطاروی نیز باید بر اساس قابلیت ایفای

نقش کاربردی و عدم آن، تعریف گردد نه مطابقت یا عدم مطابقت با واقع (نظام صدق و کذب). در نتیجه در این رویکرد جدید اساساً روایات ثواب الاعمال نمی توانند به معنای متعارف کاذبه باشند. روایات ثواب الاعمال در دوره ی زمانی خاصی برای مخاطبان خود که از نظام فکری و اعتقادی ویژه ای برخوردار بودند، کارکرد درست یعنی موثری داشتند، در نتیجه اولاً معنادار بوده و ثانیاً بسته به میزان آثار گفت کنشی، دارای معنای صحیح و غیر خطا بوده اند. اما برای مخاطبان دیگری در دوره ی زمانی متفاوت، با نظام معرفتی متفاوت، نمی توانند گفت کنش مدنظر را ایجاد کنند در نتیجه به مسیر خطا می روند. استفاده از واژه ی خطاروی به این دلیل است که ما مجاز نیستیم براساس رویکردی که اتخاذ کرده ایم این روایات را کاذب بنامیم، چون اساساً روایات ثواب الاعمال از معیار صدق و کذب پیروی نمی کنند. بلکه تنها می توان گفت آن ها ممکن است در شرایط خاصی خطاهایی داشته باشند که منجر به اختلال در معنا گردد.

۶. نتیجه گیری

۱- تأمل و دقت در فهم معنای حدیث، که در سنت اسلامی ارزش زیادی برای آن در نظر گرفته شده در واقع شناخت اختلاف مقاصد امامان، در شرایط تخاطب گوناگون است. این که معصوم بتواند از تمامی ساحت های زبان برای انتقال پیام خود به مخاطب استفاده کند، نشان دهنده ی قوت و قدرت کلام معصوم است. انحصار مدل زبانی حدیث، به مدل تک معنایی و صراحت، در واقع محدود کردن معصوم، در استفاده از تمام ظرفیت های زبانی است. توجه به این نکته، اقتضاء تأمل بیشتر در کلام معصوم و عدم تمرکز صرف، به ظاهر کلام او را دارد.

۲- دیدگاه های زبان شناسی جدید از جمله نظریه ی کنش گفتاری با وسعتی که در قلمرو معنا ایجاد می کند و اعتباربخشی به تنوع معنا در بازی های زبانی مختلف می تواند روش مناسبی در تبیین مقاصد مختلف در روایات باشد. بدین ترتیب احادیث بر اساس محتوا تقسیم بندی شده و معنا در هر قسم، بر اساس بازی زبانی متناسب با آن قسم تبیین می گردد. با این روش ضمن این که همه ی بازی های زبانی معنا دار تلقی

۱. برگرفته از: «حدیثٌ تُدْرِهْ خَيْرٌ مِنَ الْفِ تَرْوِيهِ وَلَا يَكُونُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ فَقِيهًا حَتَّى يَعْرِفَ مَعَارِيضَ كَلَامِنَا وَ أَنَّ الْكَلِمَةَ مِنْ كَلَامِنَا لَتَعْرِفَ إِلَى سَبْعِينَ وَجْهًا وَ لَنَا مِنْ جَمِيعِهَا الْمَخْرُجُ»: حدیثی که در آن درایت کنی بهتر از هفتاد حدیثی است که روایت می کنی و هیچ یک از شما فقیه نیست مگر این که اختلاف مقاصد ما را بشناسد، همانا هر کلمه ای از کلام ما به هفتاد وجه بر می گردد که ما به همه آن آگاهیم (صدوق، ۱۴۱۳ق، ۲).

می‌شوند، هریک نیز از قوانین معناداری خاص خود تبعیت می‌کند. به این ترتیب قوانین اصول فقه، روش اخذ معنا در روایات فقهی قلمداد شده و از سوی دیگر معنا در روایات تفسیری بر اساس نظریه‌ی ساختارگرایی و بر مبنای ساختار کلی قرآن تبیین می‌گردد. روایات عرفانی و کلامی و ... نیز متناسب با فضای خود تحلیل و تبیین می‌شوند.

۳- روایات ثواب الاعمال به دلیل شباهت خانوادگی که بین همه‌ی آن‌ها برقرار است و آن‌ها را ذیل این عنوان جمع کرده نیز، بر مبنای نظریه‌ی کنش‌گفتاری توجیه و تبیین می‌شود. به این ترتیب معنا در احادیث ثواب‌الاعمال نوعی از کنش‌گفتار است که ترغیب برای انجام عملی خاص از سوی مخاطب را اقتضا دارد. آنچه که در ایجاد یک کنش‌گفتار سودمند، نقش مهمی دارد، ساختار فکری و فرهنگی مخاطب است. احادیث ثواب‌الاعمال در بستر یک جامعه‌ی مومن و معتقد به نظام ثواب و عقاب متولد شده‌اند، در نتیجه این دسته از احادیث برای افراد آن جامعه دارای کنشی موثر و در نتیجه لبریز از معنا بوده‌اند؛ اما همین احادیث در صورتی که نتوانند برای مخاطبان دیگری با نظام فکری متفاوت، آن کنش موثر را ایجاد کنند، دارای اختلال در معنا می‌شوند. ملاک ارزیابی در هر یک از مدل‌های زبانی بر اساس خود آن مدل تعریف می‌شود؛ معیار ارزیابی در نظریه‌ی کنش‌گفتاری نیز، ایجاد کنش موثر در مخاطب است و در صورتی که کنش موثر ایجاد نشود، گزاره بدون آن‌که کاذب باشد، فاقد کاربرد محسوب می‌شود.

منابع

- ابن ابی‌الجمهور، محمدبن زین‌الدین، عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیّه، مصحح: مجتبی عراقی، قم، دار سیدالشهدا، ۱۴۰۵ق.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل‌الزیارات، ترجمه: محمدجواد ذهنی‌تهرانی، تهران، پیام حق، ۱۳۵۶ش.
- اربلی، علی‌بن عیسی، کشف‌الغمه فی معرفه‌الائمّه، مصحح: سیدهاشم رسولی‌محلّاتی، تبریز، بنی‌هاشمی، ۱۳۸۱ش.
- باقری، حمید، «بررسی متنی و سندی روایات من بلغ»، حدیث و اندیشه، بهار و تابستان ۱۳۸۲ش، شماره ۵ و ۶، صص ۳۷-۹۲.
- بهایی، محمدبن حسین، الاربعون حدیثاً، تحقیق: بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
- پاکتچی، احمد، «مطالعات فرهنگ»، ارتباطات، پاییز ۱۳۸۷ش، شماره ۳۶، ۱۲۱-۱۵۶.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، مصحح: سیدمهدی رجایی، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۰ق.
- حر عاملی، محمدبن حسن، تفصیل وسائل‌الشیعه الی تحصیل مسائل‌الشریعه، بیروت، موسسه آل‌بیت‌الاجیاد‌التراث، ۱۴۱۴ق.
- _____، هدایه‌الامه الی احکام‌الائمّه، مشهد، مجمع‌البحوث‌الاسلامیه، ۱۴۱۲ق.

- روى، على رجب، «فقه الحديث فى قوله (ص) صلاه فى مسجدى هذا افضل من الف صلوه مما سواء الآ مسجد الحرام»، التراث العلمى، ۲۰۱۶م، صص ۳۵۱ - ۳۷۰.
- ساجدى، ابوالفضل، مرتضى شاهرودى، سيد محمود، «واكاوى گونه هاى دخالت ذهنيت راويان در فهم حديث»، علوم حديث، تابستان ۱۳۹۲ش، شماره ۶۸، صص ۲۹ - ۴۸.
- سيدرضى، محمد بن حسين، نهج البلاغه، تصحيح: صبحى صالح، قم، هجرت، ۱۴۲۴ق.
- شعيرى، محمد بن محمد، جامع الاخبار، نجف، مطبعه حيدر يه، بى تا.
- صدوق، محمد بن على، الامالى، مصحح: على اكبر غفارى، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش.
- _____، من لا يحضره الفقيه، مصحح: على اكبر غفارى، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین قم، ۱۴۱۳ق.
- _____، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ترجمه: بندر ريگى، ابراهيم محدث، قم، اخلاق، چاپ سوم، ۱۳۷۹ش.
- صفارى، سعدى، «تاثير شناخت زمينه هاى صدور در فهم حديث»، علوم حديث، بهار و تابستان ۱۳۸۴ش، صص ۱۰۱ - ۱۲۴.
- قى، عباس، مفاتيح الجنان، ترجمه: مهدى الهى قمشه اى، تهران، پيام عدالت، ۱۳۹۳ش.
- كلينى، محمد بن يعقوب، الكافى، مصحح: على اكبر غفارى و محمد آخوندى، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ۱۴۰۷ق.
- لايكن، ويليام جى، درآمدى به فلسفه زبان، ترجمه: ميشم امينى، تهران، هرمس، چاپ سوم، ۱۳۹۵ش.
- مجلسى، محمد باقر، بحار الانوار، بيروت، دار احيا، التراث العربى، ۱۴۰۳ق.
- مفيد، محمد بن محمد، الامالى، مصحح: حسين استاد ولى و على اكبر غفارى، قم، كنگره شيخ مفيد، ۱۴۱۳ق.
- نجفى، محمد حسن، جواهر الكلام فى شرح شرايع الاسلام، بيروت، دار احياء التراث العربى، ۱۴۰۴ق.
- نراقى، مولى احمد بن محمد مهدى، مستند الشيعه، قم، موسسه ال البيت، ۱۴۱۵ق.
- نقيسى، شادى، علامه طباطبايى و حديث (روش شناسى نقد و فهم حديث از ديدگاه علامه طباطبايى در الميزان)، تهران، علمى و فرهنگى، ۱۳۹۰ش.
- نيل ساز، نصرت، رحمان ستايش و ديگران، «شناخت خصوصيت ديگران، شناخت خصوصيات مخاطبان معصومان (ع) و تأثير آن در فهم حديث»، علوم حديث، پاييز ۱۳۹۰، شماره ۶۱، صص ۴۸ - ۲۹.
- ويتگشتاين، لودويك، پژوهش هاى فلسفى، ترجمه: فريدون فاطمى، تهران، مركز، ۱۳۹۸ش.
- هكر، پيتر، ماهيت بشر از ديدگاه ويتگشتاين، ترجمه: علوى نيا، تهران، هرمس، ۱۳۸۲ش.

Austin, john, How to do thing with word, Harvard university press, 1975.

Hess, mary, revolution and reconstruction in the philosophy of science,

Hervest predd, brighton, Sussex, 1980.

Barbour, Ian, religion in an age of science, voll, Gifford lecture (Harpess and Row), sanfransisco, CA, 1990.

Corombie, Ian M, the philosophy of theological statements, in the philosophy of religion, ed. Basil Matchell, Oxford readings in philosophy, Oxford University Press, Oxford, 1971.